

دوشنبه 25 دی 1396

[printpdf](#)
[print](#)

پاسخی بر شبهات تاریخی این روزها درباره جلسه خبرگان 68:

ماجرای رهبری موقت آیت‌الله خامنه‌ای چه بود؟/ چگونه شرط «اجتهاد» جایگزین «مرجعیت» شد؟/ مرحوم هاشمی: در اینکه رهبری که انتخاب کردیم مجتهد باشد، یک ذره هم تردید نداریم



گزارشهای تاریخی بی‌بی‌سی کارویژه خودش را دارد، قرار است فقط راست و دروغ را در هم آمیخته و شبهه‌افکنی کند و جوابش هم مهم نیست. شاید وقتی دیگران دارند به گزارشهای تحریف‌آمیز این رسانه جواب می‌دهند، قلم به دست آن دارند پروژه بعدی را تدارک می‌بینند

محمدامین فرج‌اللهی: پس از انتشار فیلم 19 دقیقه‌ای جلسه خبرگان سال 68، بی‌بی‌سی در قالب چند مطلب تاریخی و گفتگو با افراد مختلف، بسیار پرچم به این مطلب پرداخت و طبق معمول ترکیبی از اطلاعات درست و غلط را در هم آمیخته و منتشر کرد. هرچند با انتشار بخشهای منتشرنشده مهم این جلسه در برنامه دیشب «جهان‌آرا»، بخشی از شبهات برطرف و دروغهای رسانه‌های ضدانقلاب درباره انقلاب و رهبری برملا شد، اما مروری بر ابهامات محتوایی و پاسخ به آنها برای ثبت در تاریخ خالی از لطف نخواهد بود.

در بین صحبت‌های مطرح شده در این چند روز، چند شبهه اصلی وجود داشت:

«مخفی کردن موقت بودن رهبری آیت‌الله خامنه‌ای از جامعه» شبهه‌ای بود که زودتر از بقیه شایعات فراگیر شد، اما زودتر هم پاسخ داده شد. انتشار روزنامه‌های 16 مرداد 68 ثابت کرد پس از فرماندوم اصول‌با‌زنگری شده قانون اساسی و رسمیت یافتن آن، مجلس خبرگان در جلسه‌ای برای رهبری دائمی آیت‌الله خامنه‌ای رای‌گیری کرده است. هم قبل از جلسه و هم بعد از جلسه این مساله در مطبوعات اعلام شده و هیچ‌مخفی‌کاری صورت نگرفته است. پس از رای‌گیری مجدد 15 مرداد مجلس خبرگان، رئیس این مجلس نتیجه‌ی آن را علناً اعلام کرده بود.

شبهه بعدی این بود که «اساساً نه دیگران آیت‌الله خامنه‌ای را مجتهد می‌دانسته‌اند و نه خودش درباره خودش چنین نظری داشته.» نویسنده بی‌بی‌سی برای اثبات بخش اول، به سخنان هاشمی در این جلسه درباره «صاحب‌نظر بودن آقای خامنه‌ای-نه مجتهد بودن-» و برای اثبات بخش دوم به سخنان آیت‌الله خامنه‌ای در مخالفت با خودش استناد کرده است. نویسنده برای موقت بودن انتخاب آیت‌الله خامنه‌ای یک علت فرضی می‌سازد تا علت اصلی را مخفی کند. آن علت فرضی «عدم صلاحیت آیت‌الله خامنه‌ای برای رهبری» است که نویسنده بی‌بی‌سی اینگونه بیان می‌کند: «دلیل موقت بودن این انتخاب، از متن

گفتگوهای جلسه مشخص است. خود آقای خامنه ای در ویدیو می گوید: "واقعا باید خون گریست به جامعه اسلامی که حتی احتمال کسی مثل بنده در آن [برای رهبری] مطرح بشود... به لحاظ فنی اشکال پیدا می کند این قضیه. من نه از لحاظ قانون اساسی، و نه از لحاظ شرعی برای بسیاری از آقایان، حرفم حجت حرف رهبر را ندارد. این چه رهبری خواهد بود؟"

اما ماجرای موقتی بودن رهبری چیست؟

امام اردیبهشت 68 دستور تشکیل شورای بازنگری درباره برخی اصول قانون اساسی را صادر می کنند. یکی از این مسائل، «رهبری» است. طبق قانون، اصول بازنگری شده پس از رای موافق مردم در فروردین و امضای رهبری انقلاب به عنوان قانون رسمیت می یابد. اما امام پیش از پایان کار شورای بازنگری فوت می کنند.

از ابتدای تشکیل جلسه خبرگان در عصر 14 خرداد، نسبت «مرجعیت» و «رهبری» از مهمترین و اولین مسائلی است که مورد بحث قرار می گیرد. اینکه «رهبر یا اعضای شورای رهبری» باید «مرجع» باشند یا «مجتهد»، محور مشترک بحثهای حامیان رهبری فردی و رهبری شورایی است. از متن قانون اساسی مصوب سال 58 هم «مرجعیت بالفعل» و هم «صلاحیت مرجعیت» قابل برداشت است و هر نظر موافقین و مخالفینی دارد.

وقتی آیت الله امینی نامه اردیبهشت ماه امام به آیت الله مشکینی، رئیس شورای بازنگری قانون اساسی درباره لزوم حذف شرط مرجعیت از شرایط رهبری را قرائت می کند، تکلیف روشن می شود. امام در آن نامه می گویند از ابتدا مخالف گنجانده شدن شرط «مرجعیت» در قانون اساسی بوده اند ولی به خاطر اصرار خبرگان آن را پذیرفته اند. حالا هم بر همان نظر سابق هستند و معتقدند شرط «اجتهاد» برای رهبری کافی است.

با قرائت این نامه تقریباً اغلب اعضای خبرگان به این نتیجه میرسند که «رهبر فردی یا اعضای شورای رهبری» لازم نیست حتماً «مرجع» باشند، بلکه «مجتهد بودن» آنها برای تصدیق این مسئولیت کافی است. اما چون این مساله تنها به تصویب کمیسیون شورای بازنگری رسیده و هنوز به فروردین گذاشته نشده، خبرگان تصمیم می گیرند رهبر یا شورای رهبری آینده تا فروردین قانون اساسی، موقت باشند و پس از آن، رای گیری مجدد برای آنها انجام شود.

این علت آن جمله مرحوم هاشمی است که پیش از رای گیری درباره رهبری فردی و شورایی می گوید «بدانیم [رهبری آینده] چه شورایی بشود، چه فردی بشود، محدود به آن زمان است.» به خاطر همین شرط اجتهاد است که لیستهای پیشنهادی شورای رهبری، آقایان «خامنه ای، موسوی اردبیلی و هاشمی» را هم شامل می شود.

بحثی درباره اجتهاد آیت الله خامنه ای

حامیان رهبری فردی و رهبری شورایی پشت تریبون رفته و صحبت می کنند. پس از نطق چند نفر، برای کفایت مذاکرات رای گیری می شود. پس از رای آوردن آن، برای رهبری فردی رای گیری می شود که با موافقت اکثریت اعضا رای می آورد.

پیشنهاد «رهبری آیت الله گلپایگانی همراه با قائم مقامی آیت الله خامنه ای» با کمتر از 15 رای موافق کنار گذاشته می شود. پس از آن نام آیت الله خامنه ای به عنوان گزینه رهبری برده می شود و اینجاست که پس از فریاد آیت الله مجتهد شبستری و اصرار به هاشمی برای ذکر نقل قول امام، او خاطرات را نقل می کند. آیت الله شبستری این لحظه را اینگونه روایت می کند:

«پس از روشن شدن تکلیف بحث شورا افراد را مطرح کردند. عده ای آیت الله گلپایگانی را پیشنهاد کردند و من دوباره از جا برخاستم و با صدای بلند به آقای هاشمی اعتراض کردم و گفتم من یادداشتی را به شما داده ام و الان وقت قرائت آن رسیده، پس آن را بخوانید. آقای رفسنجانی نوشته مرا خواندند و گفتند آقای شبستری می خواهد من که حضور داشتم و جزو شهود بودم توصیه های امام را در مورد آیت الله خامنه ای نقل کنم. آقای رفسنجانی رو به اعضای خبرگان کرد و گفت آقای شبستری از من می خواهند سخنان امام را به شما بگویم، آیا شما موافق هستید؟ همه اعضا گفتند «بله بگوید، اگر الان نگویند، پس کی می خواهید بگویند!»

اینجا هاشمی رفسنجانی که خود از مخالفین رهبری فردی بوده و به آن رای نداده، خاطراتی از نظر مساعد امام نسبت به رهبری آیت الله خامنه ای را بیان می کند. این مساله با مخالفت ایشان روبرو می شود و به همین خاطر پشت تریبون می آیند. همانطور که در فیلم دیده می شود، هاشمی به ایشان تذکر می دهد که الان نمی شود درباره شورایی صحبت کنید، چون رهبری فردی رای آورده است. آیت الله خامنه ای که موضوع صحبتش را منتفی می بیند، سخنانش در مخالفت با خود را با این کلمات شروع می کند: «واقعا باید خون گریست به جامعه اسلامی که حتی احتمال کسی مثل بنده در آن مطرح بشود...»

همانطور که آیت الله خامنه ای در سخنانش می گوید:

«در همین جلسه چند نفر از آقایان آمده اند و صحبت کرده اند، تصریح کرده اند که من صاحب نظر نیستم»، اما آیا واقعا فضای خبرگان آنطور که نویسنده لندن نشین نوشته «در مورد "مجتهد" بودن آقای خامنه ای هم، که طبق قانون اساسی جدید برای رهبر شدن لازم بود، تردید جدی وجود داشته است.»؟

آیا نباید در جواب این ابهام، این سوال را مطرح کرد که اگر در بین خبرگان تردید و ابهام جدی درباره اجتهاد آیت الله خامنه ای

وجود داشت، چرا تعداد آراء موافق به ایشان 56 نفر از 70 نفر است؟ اگر تردید جدی وجود داشت نباید آراء موافق اینقدر زیاد می‌بود!

علاوه بر همه اینها، پس از انتخاب آیت‌الله خامنه‌ای به رهبری، در روزهای بعد افراد مختلفی درباره اجتهاد رهبری جدید انقلاب سخن می‌گویند. 15 خرداد حاج احمد خمینی در تلگرافی به آیت‌الله خامنه‌ای از جانب خود و تمامی اعضای بیت امام از اقدام مجلس خبرگان تشکر کرده و می‌نویسد «حضرت امام بارها از جنابعالی به عنوان مجتهد مسلم و نیز بهترین فرد برای رهبری نظام اسلامیمان نام می‌بردند.»

مرحوم هاشمی در اولین خطبه نماز جمعه پس از فوت امام می‌گوید:

«در همان جلسه خبرگان تعداد زیادی مجتهد عادل هستند. اصلاً شرط آنجا اجتهاد است، شرط عضویت در خبرگان اجتهاد است و قبلاً باید اجتهادشان تایید شده باشد. مجتهد عادل زیا نداریم و روی مصداق شرایطی لازم دارد. البته اجتهاد، مراحلی دارد. بعضی از آقایان هستند کار فراوانی روی همه ابواب فقه کردند و کار جاری آنها است. درس می‌دهند، دائماً جواب مساله و استفتائات را می‌دهند، حضور ذهن دارند و خیلی آسان می‌توانند به حکم فرعی برسند یا یادشان هست. این یک تیپ هستند.

یک تیپ هستند که اینجور نیستند، همان قدرت اجتهاد را دارند، ولی این اندازه حضور ذهن ندارند و هر فنی همینطور است. کارهای دیگری دارند که دنبال آن هستند.

قدرت استنتاج هم بکنواخت نیست و درجات مختلفی دارد. ما در اینکه رهبری که انتخاب کردیم مجتهد باشد، یک ذره هم تردید نداریم. خود من به عنوان یک شاهد باید عرض کنم خدمت شما، ما از حدود سال 38 یا 39 خدمت ایشان بودیم و در درسها با هم بودیم، در مباحثه و بحثها با هم بودیم. و بسیاری از کسانی که امروز در بین ما آیت‌الله هستند- البته روی کلمه آیت‌الله توضیح خواهم داد- و هیچکس حرف نمی‌زند و در اجتهادشان تردید ندارد! آن روز که بحث می‌شد جناب آیت‌الله خامنه‌ای از آنها اگر سر نبود، پایین‌تر هم نبود. هم درسها را خیلی خوب می‌فهمیدند و هم خوب استنتاج می‌کردند و تا این اواخر هم در ضمن اینکه مبارزه داشتند، کار فقهی و مطالعات و درس را فراموش نمی‌کردند.»

نمایندگان مجلس در نامه‌ای خطاب به رهبری جدید انقلاب می‌نویسند:

«نمایندگان امت شهیدپرور در مجلس شورای اسلامی با الهام از رهنمودهای حضرت امام خمینی به رئیس مجلس خبرگان حضرتعالی که بفرموده حضرت امام مجتهدی مسلم میبایست بیعت نموده و فرمان شما را بعنوان ولی امر مسلمین مطاع دانسته و از آنجناب که پیرو صدیق و شاگرد مخلص و صمیمی و وفادار آنقائد عظیم الشان و از دست رفته مان هستید در خواست داریم که با تمام وجود در ادامه راه معظم له از هیچ تلاشی باز نایستید.»

آیت‌الله فاضل‌لنکرانی در مراسم بزرگداشت امام که از طرف شورای مدیریت حوزه علمیه برگزار شده می‌گوید:

«در مورد مجتهد بودن آقای خامنه‌ای، هم اول شخص امام مرحله اجتهاد و صلاحیت آقای خامنه‌ای را به انحاء مختلف تایید کرده بودند و از طرفی گرچه مسائل انقلاب مجال بحث و فرصت به ایشان نداده است، ولی من خودم به یاد دارم که ایشان 20 سال پیش درس مکاسب و کفایه می‌گفتند و صاحب نظر و مجتهدی مسلم میباشند و ثانیاً در مجلس خبرگان دهها مجتهد مسلم، اجتهاد ایشان را تایید کرده اند. لذا از نظر شرعی و قانونی هیچ شبهه‌ای وجود ندارد.»

آیت‌الله صانعی در مراسم شب هفتم رحلت امام در قم می‌گوید:

«چگونه میشود آدم، رهبری جدید جمهوری اسلامی را که یک مجتهد عادل است و در اینجا به عنوان نیابت ولایت خداست و بناست قوانین خدا و قرآن و سنت رسول الله و ائمه اطهار را حاکم کن و قسط و عدل را در جامعه پیاده نماید، تایید نکند؟ لذا انسان برای تایید مقام رهبری اسلامی هرچه بگوید کم گفته است.»

محتشمی‌پور وزیر کشور 24 تیر در کنفرانس مطبوعاتی خود می‌گوید:

«یکی از شرایط رهبری، مساله اجتهاد است. اجتهادی که در رهبر و مرجع مشترک است. گاهی رهبری و مرجعیت در یک فرد جمع میشود مثل حضرت امام. آیت‌الله خامنه‌ای مجتهدی است که قدرت صدور فتوا برای اشخاص را هم دارند و بر این اساس میتوانند رساله عملیه بنویسند و قدرت اینکار را هم دارند.»

بنابراین مشاهده می‌شود در بازه زمانی یک ماه پس از انتخاب آیت‌الله خامنه‌ای به عنوان رهبر انقلاب، افراد مختلف و متعدد صاحب‌نظر و غیرصاحب‌نظر فقهی و از طیفهای مختلف سیاسی صراحتاً بر اجتهاد ایشان تاکید کرده‌اند. همچنین توجه به این نکته هم لازم است که در آن زمان هیچ اعتراضی مبنی بر «عدم اجتهاد» ایشان از طرف افراد یا جریانهای مختلف صورت نمی‌گیرد، یعنی اساساً این شبهه، در آن زمان اصلاً مطرح نبوده و اجتهاد رهبری جدید انقلاب برای همه محرز بوده است.

بی‌بی‌سی و برخورد دوگانه با خاطرات مرحوم هاشمی

خاطره‌گویی‌های سالهای اخیر مرحوم هاشمی که تا حد زیادی متأثر از فضای روز سیاسی بود، با استقبال رسانه‌های مختلف

خارج از ایران به خصوص بی‌بی‌سی فارسی همراه بود. ادعای مخالفت امام با شعار مرگ بر آمریکا، خاطره‌ی نادرست درباره حکم امام برای اعدام فرماندهان مقصر در جنگ، قهر ده ساله آیت‌الله خامنه‌ای و آیت‌الله مصباح، ماجرای برنامه 14 نفر جامعه مدرسین برای رهبری آیت‌الله گلپایگانی از مهمترین خاطرات جنجالی این سالها بود که در رسانه‌های خارجی به خصوص بی‌بی‌سی فارسی ضریب داده می‌شد و حتی دستمایه‌ی گزارش‌های تاریخی آن برای زیرسوال بردن انقلاب قرار می‌گرفت.

بی‌بی‌سی حتی در مطلبی سراغ «خاطرات کاملاً سری» مرحوم هاشمی را هم گرفت و از لابلاهای مصاحبه‌های اطرافیان آن مرحوم، به اهمیت آن در تاریخ دهه‌های بعد هم اشاره کرد.

در روزهای اخیر یکی از شبهاتی که بی‌بی‌سی مستقیم و غیرمستقیم آتشبارش بود، مجتهد نبودن آیت‌الله خامنه‌ای هنگام رهبرشدن» بود. در همین چند روز موارد متعددی از خاطرات و صحبت‌های سال 69 مرحوم هاشمی در تایید اجتهاد آیت‌الله خامنه‌ای منتشر شد، اما توسط بی‌بی‌سی نادیده گرفته شد. از جمله خطبه‌های نماز جمعه 19 خرداد او که صراحتاً گفته بود «ما در اینکه رهبری که انتخاب کردیم مجتهد باشد، یک ذره هم تردید نداریم.»

گزارش‌های تاریخی بی‌بی‌سی کارویژه خودش را دارد، قرار است فقط راست و دروغ را در هم آمیخته و شبهه‌افکنی کند و جوابش هم مهم نیست. شاید وقتی دیگران دارند به گزارش‌های تحریف‌آمیز این رسانه جواب می‌دهند، قلم به دست آن دارند پروژه بعدی را تدارک می‌بینند. به همین خاطر است که از مرحوم هاشمی و خاطراتش هم استفاده ابزاری می‌کنند، اگر در راستای خط تحریف بود، پررنگ مطرح می‌شود. ولی اگر خلاف آن بود، حتی مطرح هم نمی‌شود.

برچسب‌ها: [شبهه اجتهاد رهبری](#)
[پایگاه تحذیر](#)

<http://tahzir.ir/node/784>